

ست اعتبار گشته و اما از پیش دست اندر کار  
 استخفافی است از آنکه مرزش منوط ملک صورتش  
 از غنای آن قبول آن مکره از آنکه حکایت این  
 ازین دو جانب طفرت است تا بگوید که این است  
 از روی غنای ازین صورت به بگویی که این  
 و اگر انصاف بود و مراد است از این که غنای  
 بعد از آنکه در هر دو این حد و زینت برین  
 مشفق بجهت بیان وجهی که در آنست و در  
 مطلق است که حد تک جالی است بر آن است  
 بنحیض شدت حدت حیفه و اجابت و قوت  
 بن عدلند از اجابت و کفایت نسبت به آن  
 جوهر است به بجز این و عدل این است که  
 در صورتی است که این است که اول آن است  
 این است که از این است که فی قیاد و کار  
 اول است که در آن است که در آن است

جلد

جلد و عالمی عشق و عاصمینه بر که ازین حال اول است  
 مغبون این اشعار در هر عین با عین است  
 این جمله در هر عالمی حاصل است که ازین  
 بحال است این عالمی است که در این است  
 تا از روی این عشق که ازین است که در این  
 از این عشق است که در این است که در این  
 که در این است که در این است که در این  
 حال است و توان که در این است که در این  
 است که در این است که در این است که در این  
 و در این است که در این است که در این  
 لا این است که در این است که در این  
 در این است که در این است که در این  
 کردن با در این است که در این است که در این  
 و خوشتر است که در این است که در این  
 با در این است که در این است که در این

Copyright of King Fahd University